

بررسی اثر بخشی آموزش حل مساله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی بر روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه روزی

فریده نویدزاده^۱

رمضانعلی قادری‌ثانوی^۲

ملیحه عرشی^۳

چکیده

این پژوهش به تعیین اثربخشی آموزش مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی مددکاری مدرسه‌ای بر روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه روزی پرداخته است. پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی بوده که با استفاده از طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل انجام گرفته است. به این منظور ۳۰ نفر از دختران نوجوان ساکن در شبانه روزی شهر نیشابور به صورت تصادفی انتخاب و به همین شیوه در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. گروه مداخله در ۸ جلسه آموزش مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی مددکاری مدرسه‌ای شرکت کردند. داده‌ها از طریق پرسشنامه سازگاری فردی - اجتماعی کالیفرنیا جمع آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری t برای گروه‌های مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد آموزش مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی، تأثیر معناداری بر افزایش سطح روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه روزی داشته است. و هم چنین بین میانگین گروه مداخله و کنترل، در متغیر مورد بررسی روابط مدرسه‌ای تفاوت معنی دار وجود دارد و روشی مؤثر جهت ارتقای سطح روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه روزی است.

واژه‌گان کلیدی: مهارت حل مساله، توانمند سازی، روابط مدرسه‌ای.

۱- کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
navidzade77@yahoo.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۳- عضو هیات علمی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

مقدمه

رشد انسان در اوایل دوران کودکی از طریق عوامل محیطی مانند خانواده، مراقبان محیط پیرامون و فرهنگ تحت تأثیر قرار می‌گیرد. خانواده مهم‌ترین عامل در میان عوامل متعددی است که می‌تواند باعث تسهیل رشد شخصیت کودک یا بازداري از آن شود (گیاگازوگلو^۱، کولیوسی^۲ و همکاران ۲۰۱۲). پس از دوره‌ی کودکی، نقش والدین در دوره نوجوانی بسیار مهم و قابل توجه است. سازش والدین وعدم تعارض آنها سبب احساس آرامش در نوجوان می‌شود. رابطه‌ی صمیمی و نزدیک والدین و نوجوان موجب می‌شود که بلوغ در دوره‌ی زمانی مناسب خود اتفاق افتد. همسانی والدین در انتظارات خود از نوجوان و تشویق فعالیت‌های مستقل و واگذاری مسئولیت‌های متناسب با سن به او، موجب می‌شود، که نوجوان فردی کارآمد پرورش یابد و از حرمت بالایی برخوردار باشد (سانتروک^۳ ۱۹۹۵ نقل از چاووشی‌فر ۱۳۷۹). در واقع ارضای نیازهای روانی نوجوان توسط اطرافیان باعث تسهیل دستیابی به سلامت روان می‌شود و عزت نفس بالاتری را در جنبه‌های مختلف از خود نشان می‌دهند. تعاملات والد فرزندی به عنوان مهمترین روابط در جریان رشد کودکان و نوجوانان شناخته می‌شود و یکی از اصلی‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده عزت نفس در نوجوانان می‌باشد. بنابراین توجه بیشتر والدین به نوجوانان و داشتن روابط گرم و صمیمانه زمینه شکل‌گیری عزت نفس مطلوب را در نوجوانان فراهم می‌کند و پرورش نوجوانان در بافت خانوادگی که روابط والد فرزندی در آن بر مبنای حمایت، احساسات و ارتباطات مثبت است موجب می‌شود نوجوانان سلامت روان بالاتر و مشکلات رفتاری کمتری نشان دهند (امامی، احدی و همکاران ۱۴۰۰). با این حال دوره نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین مراحل زندگی فرد به شمار می‌آید. نوجوان در این دوره با مسائل عمده‌ای نظیر بحران هویت، انحرافات اجتماعی، انحرافات جنسی، اختلالات عاطفی افسردگی، پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد، خودکشی، مشکلات خانوادگی، شغلی و مدرسه‌ای مواجه است. سپری کردن موفقیت آمیز این دوره مستلزم داشتن مهارت‌های خاص

-
1. Giagazoglou
 2. Koulouisi
 3. santrock

است. فقدان این مهارت‌ها عامل اساسی ناسازگاری و مشکلات انطباقی، مخصوصا برای نوجوانانی است که در محیط‌های شبانه روزی و به دور از محیط خانواده زندگی می‌کنند (سلوک‌لایی، ۱۳۹۱). در این بحران هویتی که نوجوان تجربه می‌کند، حل مسأله یک مهارت حیاتی برای زندگی نوجوانان در عصر کنونی است. امروزه صاحبان امر، در تمامی فعالیت‌ها خواه طبیعی و خواه مسأله دار به سوی مهارت‌های تفکر سطح بالا و حل مسأله چه در حیطه‌ی عمومی و چه در حیطه‌ی فناوری فرا خوانده می‌شوند و در اغلب جوامع همه بر این عقیده اند که باید بر افزایش توانمندی افراد در به کارگیری مهارت‌های حل مسأله تاکید کرد (کاسترو درینفورت، ۱۹۹۶). طبق پژوهش‌های انجام شده آموزش حل مسأله می‌تواند در سازگاری فردی و اجتماعی افراد موثر باشد. بنابراین افراد در فرایند حل مسأله برای رسیدن به سازگاری باید توانمند باشند تا بتواند در زندگی از این مهارت در مواقع مورد نیاز استفاده نمایند. کسانی که توانمند شده‌اند به خودشان کمک می‌کنند تا به کمک احساسات مفید و ارزشمند خود به ظرفیت یا توان کنترل بر زندگی شان برسند و در نهایت یاد می‌گیرند که چگونه از خودشان مراقبت کنند تا بتوانند تغییرات مثبتی را در زندگی ایجاد کنند (داددوست، ۱۳۸۶). مددکاران اجتماعی با تکیه بر مهارت‌ها و دانشی که در اختیار دارند قادرند وارد عمل در حیطه‌ی مشکلاتی شوند که انسان در تعامل با محیطش دارد و ضمن توانایی کار با عواطف و روان مردم می‌کوشند جوامع، نهادها و گروه‌ها را تقویت و توانمند کنند. در واقع این حرفه برای رسیدن به عدالت اجتماعی با ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و توسعه توانمندی‌های افراد، گروه‌ها و اجتماعات و حل معضلات اجتماعی و بهبود اوضاع جامعه تلاش می‌کند (گلیکن، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه توانمندسازی فرایندی است که از طریق آن مددکاران اجتماعی به حمایت مددجویان می‌پردازند تا آنان بتوانند به شیوه‌ی موثرتری با نیازها و مشکلات و مسائل مختلف روبرو شوند، هدف این پژوهش این است که بررسی نماید آیا آموزش حل مسأله با رویکرد توانمند سازی بر روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه روزی بهزیستی تاثیر گذار است. پژوهشگران متعددی به بررسی این مساله پرداخته‌اند. فردی و

-
1. CUSTER
 2. DYRENFURTH
 3. Gelin

همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان ساکن شبانه روزی انجام دادند که نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند باعث کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان شود. در پژوهشی دیگر احدی، میرزایی و همکاران (۱۳۸۸) اثربخشی آموزش حل مسأله اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دختران کمرویی دوره راهنمایی را مورد پژوهش قرار دادند که نتایج نشان داد آموزش حل مسأله می‌تواند سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو را بهبود بخشد. همچنین حاتمی فرد، کافی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهش دیگری را با عنوان اثربخشی آموزش حل مسأله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان انجام دادند نتایج پژوهش نشان داد که مهارت ابراز وجود بر افزایش سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان اثر داشته است. در پژوهشی دیگر صدیقی (۱۳۸۴) آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش افسردگی و افزایش مهارت‌های مقابله‌ای دختران نوجوان ساکن در بهزیستی را مورد بررسی قرار داده است که نتایج نشان داد که این آموزش بر کاهش افسردگی موثر بوده و شیوه مقابله دختران به شیوه مسأله مدار متمایل شده است. وایت و پترسون (۲۰۰۵) نیز پژوهشی را با عنوان اثربخشی آموزش حل مسأله بر روی سلامتی و استرس دانشجویان در دانشگاهی در کشور آمریکا انجام داده اند که نتایج نشان داد به طور کل آموزش مهارت حل مسأله باعث استرس کمتر و اعتماد به نفس بیشتر و در نتیجه سلامت جسمی و روانی بهتری می‌گردد (وایت، پترسون و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهشی دیگر که توسط هایت، بلاک و همکاران (۲۰۱۰) به عنوان مددکاران اجتماعی جهت ارتقا سلامت روان کودکان و نوجوانان ساکن در مراکز شبانه روزی کشور آمریکا انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که گروه آزمایش بهبود قابل توجهی نسبت به گروه گواه در سطح سلامت روان و برخی رفتارها داشته است. کارن گلاکو و همکاران (۲۰۰۹) نیز با هدف بهبود مهارت حل مسأله در دانش آموزان مقطع ابتدایی که در مرکز شبانه روزی نگهداری می‌شدند، پژوهشی انجام دادند

-
1. Wight&Peterson
 2. Haight & Black
 3. Karen Glago

و دریافتند که دانش آموزان گروه آزمایش پس از آموزش و یادگیری مهارت حل مساله عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل در خانه و مدرسه داشته اند. تمامی این پژوهشها به اثربخش بودن آموزش حل مساله اشاره دارد و پژوهش‌های متعدد نشان داده است که مهارت حل مساله باعث تسهیل مهارت های سازگاری در موقعیت‌های تنش زا در نوجوانان می گردد. به خصوص اینکه نوجوانان ساکن در شبانه روزی به دلیل مشکلاتی که ناشی از بی سرپرستی و زندگی در محیط شبانه روزی است این مهارت می‌تواند باعث ارتقای آگاهی و عملکرد مناسب در حیطه ی سازگاری فردی و اجتماعی و ارتقا سطح سلامت روان نوجوانان شود. بنابراین مددکاران اجتماعی با استفاده از مهارت حل مساله می‌توانند در جهت توانمندی افراد در رسیدن به سطح مناسبی از سازگاری گام بردارند. اما پژوهشی مبنی بر اینکه آموزش این مهارت با رویکرد توانمندسازی بر روی روابط مدرسه‌ای دختران شبانه روزی تاثیرگذار بوده یا نه تا کنون انجام نشده است که این پژوهش درصدد انجام آن می باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی است که با استفاده از طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل انجام شد. در این طرح، آزمودنی ها به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه مداخله و کنترل جایگزین شدند. پیش آزمون از هر دو گروه گرفته شد. نقش پیش آزمون در این طرح، اعمال کنترل آماری و مقایسه است. در این پژوهش یکی از دو گروه به صورت تصادفی در معرض متغیر آزمایشی (آموزش مهارت حل مساله) قرار داده شد و دیگری به عنوان گروه کنترل، انتخاب و برای آن مداخله اجرا نشد. در پایان، متغیر وابسته در هر دو گروه به وسیله پس آزمون مورد سنجش استفاده قرار گرفتند. انتخاب نمونه یعنی گزینش افرادی از یک جامعه توصیف شده به عنوان نماینده‌ی آن جامعه است. پژوهش گران به منظور تعیین حجم نمونه مورد نیاز برای روش‌های مختلف تحقیق، قاعده‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند. برای تحقیق‌های تجربی برای هر گروه ۱۵ نفر پیشنهاد شده است (گال و همکاران، ۱۳۸۶). جامعه آماری این پژوهش را کلیه دختران نوجوان ساکن در یک مرکز شبانه روزی سازمان بهزیستی شهر نیشابور تشکیل داده اند. افراد واجد شرایط در مرکز نگهداری دختران نوجوان ۴۰ نفر بودند واز این تعداد ۳۰ نفر دارای معیارهای ورود به پژوهش بودند که به صورت تصادفی به

دو گروه ۱۵ نفری تقسیم شدند و در یکی از دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل اینکه افراد، تمایل به شرکت در پژوهش داشته باشند. افراد شرکت‌کننده در پژوهش، توان خواندن و نوشتن داشته باشند. تشخیص اختلال بالینی روانی، در پرونده دختران ساکن در شبانه روزی وجود نداشته باشد. و ملاکهای خروج از مطالعه شامل اینکه افراد بیش از ۲ جلسه در جلسات آموزشی غیبت داشته باشد. تمایلی به ادامه شرکت در پژوهش نداشته باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اجرا شد. پرسشنامه شامل یک چک لیست متغیرهای دموگرافیک و یک پرسشنامه سازگاری فردی واجتماعی (کالیفرنیا) است.

فرم مشخصات فردی: این فرم برای کسب اطلاعات در زمینه‌های سن، وضعیت تحصیلی، مدت اقامت در مرکز و شغل پدر توسط پژوهش‌گر تنظیم و به منظورسنجش متغیرهای زمینه‌ای مورد استفاده قرارگرفت.

مقیاس شخصیت سنج کالیفرنیا: برای سنجش روابط مدرسه‌ای دختران ساکن در شبانه‌روزی از مقیاس شخصیت سنج کالیفرنیا (CPT)، استفاده شد. این مقیاس در سال ۱۹۵۳ توسط کلارک و همکاران ساخته شده است. این آزمون به منظور سنجش سازش‌های مختلف که دارای دو قطب سازگاری شخصی و سازگاری اجتماعی است، تهیه شده است این آزمون دارای ۱۲ خرده مقیاس است که نیمی از آن‌ها برای سنجش سازگاری فردی و بقیه، جهت اندازه‌گیری سازگاری اجتماعی تهیه شده است. خرده مقیاس روابط مدرسه‌ای که جز خرده مقیاس‌های سازگاری اجتماعی است. ابتدا دختران ساکن در مرکز، شناسایی و فرم رضایت آگاهانه توسط افرادی که دارای معیارهای ورود به پژوهش بودند و تمایل داشتند که در پژوهش شرکت کنند، تکمیل شد. سپس این افراد به صورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. پس از آن با انجام توضیحاتی به این افراد در مورد علت و چگونگی انجام پژوهش، پرسشنامه سازگاری فردی و اجتماعی کالیفرنیا (CPT)، توسط این افراد تکمیل شد و پیش آزمون از افراد گرفته شد. سپس آموزش مهارت حل مسئله در ۸ جلسه با استفاده از

رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی به افراد گروه مداخله ارائه شد. که این مدل الهام گرفته از مولا (۲۰۰۹؛ نقل از عادلین راسی، ۲۰۱۳) در زمینه توانمندسازی است.

جدول ۱. برنامه جلسات آموزشی مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی

مشارکت بازخورد مثبت، ارتقای اعتماد به نفس	جلسه اول	ایجاد یک ارتباط مثبت و حمایت‌گر بین اعضا و پژوهشگر. ایجاد یک برداشت مثبت از عضویت در گروه و مشخص کردن قوانین گروه.
	جلسه دوم	سازماندهی و تنظیم افکار و احساسات از طریق گفتگو. مشخص کردن موقعیت و مشکل (موقعیت دشوار و مشکل زا). مشخص کردن مشکل کنونی (اینجا و اکنون). انتخاب رویکردی صحیح نسبت به مساله.
	جلسه سوم	مشخص کردن خواسته‌ها، نقاط قوت، و تغییراتی که در مسیر حل مشکلات ضروری هستند. شامل: الف) شرایط دلخواه ب) نقاط قوت ج) ایجاد تغییر در موقعیت دشوار مجدداً تشخیص ارتباط عواطف و احساسات با خواسته‌های افراد. توجه به رابطه میان فرد با افراد مهم زندگی اش.
	جلسه چهارم	بررسی هشیارانه گزینه‌های گوناگون و یافتن راه حل‌های متعدد برای مشکل: عدم قضاوت در این مرحله و بررسی هوشیارانه گزینه‌های گوناگون بارش فکری تشویق به گفتن و نوشتن راه‌حل‌های هر چه بیشتر، نوشتن و یا بیان احساسات و عواطف نسبت به گزینه‌های مختلف شامل: الف) پیامدهای هر کدام از گزینه‌ها ب) منابع موجود ج) موانع موجود
	جلسه پنجم	در نظر گرفتن احساسات و عواطف نسبت به گزینه‌های مختلف توجه به اطرافیان به عنوان مانع یا تسهیل کننده در فرایند حل مشکل. توجه به تاثیر ارزش‌ها در انتخاب گزینه‌ها
	جلسه ششم	ارزیابی و انتخاب بهترین گزینه (گزینه نهایی) برای حل مشکل. برنامه ریزی و مشخص نمودن گام‌های اجرا

	اجرا و ارزشیابی. ارزیابی موقعیت کنونی. بررسی دستاوردها و اشتباهات گذشته و عدم تکرار اشتباهات	جلسه هفتم
	مرور نتایج و راه‌های انتخاب شده. بررسی احساسات اعضا و مرور فرایند کار. جمع‌بندی نهایی از شرکت در گروه	جلسه هشتم

یافته‌های پژوهش

جدول ۲. شاخص‌های آماری و نتایج آزمون T مربوط به سازگاری اجتماعی (روابط مدرسه‌ای) دو

گروه کنترل و آزمایش درپیش آزمون

سازگاری اجتماعی (روابط مدرسه‌ای)	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	نمره آزمون t	درجه آزادی (df)	درجه معناداری
(پیش آزمون)	کنترل	۱۵	۲۰۰/۶	۰۷۵/۲	۲۶۶- /	۲۵۰- /	۲۸	۸۰۴ /
	آزمایش	۱۵	۴۶۸/۶	۷۴۸/۲				

جدول ۳. شاخص‌های آماری و نتایج آزمون T مربوط به سازگاری اجتماعی (روابط مدرسه‌ای) دو

گروه کنترل و آزمایش درپس آزمون

سازگاری اجتماعی (روابط مدرسه‌ای)	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	نمره آزمون t	درجه آزادی (df)	درجه معناداری
(پس آزمون)	کنترل	۱۵	۴۰۰/۴	۰۱۸/۳	۴۰۰/۳-	۱۰۶/۴-	۱۷	۰۰۱ /
	آزمایش	۱۵	۸۰۰/۹	۰۸۲/۱				

نتایج جدول نشان می‌دهد چون t محاسبه شده (۲۵۰- /) در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست، بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود، چنین نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین نمرات دو گروه مداخله و کنترل در خرده مقیاس روابط مدرسه‌ای پرسشنامه سازگاری فردی و اجتماعی در پیش آزمون تفاوت معنادار وجود ندارد. بدین معنا که دو گروه مداخله و کنترل به لحاظ میزان روابط مدرسه‌ای در پرسشنامه سازگاری فردی و اجتماعی (خرده مقیاس روابط مدرسه‌ای) در

پیش آزمون همتا بوده و از وضعیت تقریباً یکسانی برخوردارند. پس از انجام پژوهش نتایج جدول نشان می دهد چون t محاسبه شده ($-۴/۱۰۶$) در سطح $۰/۰۵$ معنادار است، بنابراین فرض صفر رد می شود، چنین نتیجه گرفته می شود که بین میانگین نمرات دو گروه مداخله و کنترل در خرده مقیاس روابط مدرسه‌ای پرسشنامه سازگاری فردی و اجتماعی در پس آزمون تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اینکه آیا آموزش مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی بر روی روابط مدرسه‌ای دختران شبانه روزی تاثیر گذار بوده یا نه انجام پذیرفت که نتایج این پژوهش همسو با یافته های این محققین است. صدیقی (۱۳۸۴)، تحقیقی با عنوان آموزش مهارت حل مساله بر کاهش افسردگی و افزایش مهارت های مقابله ای دختران نوجوان فراری ساکن در بهزیستی انجام داده که نتایج حاکی از تاثیر معنادار این آموزش بر کاهش افسردگی و مهارت های مقابله ای دختران بوده است. زهرا کار و رضازاده (۱۳۸۹) هم در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش حل مساله بر خودکارآمدی دختران نوجوان تاثیر داشته و باعث افزایش خودکارآمدی افراد شده است. سلوکلائی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که آموزش حل مساله بر کفایت اجتماعی دختران نوجوان تاثیر معنادار داشته است. نتایج این پژوهشها با پژوهش حاضر همسو بوده است. فردی و همکاران (۱۳۹۲) هم پژوهشی با آموزش مهارتهای زندگی بر کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان مدارس شبانه روزی انجام دادند انجام دادند نتایج پژوهش آنها نشان داد که این آموزش بر کاهش سطح اضطراب اجتماعی تاثیر گذار بوده است. یافته های پژوهش حاضر نیز نشان می دهد که سطح روابط مدرسه ای پس از دریافت آموزش مهارت حل مساله با رویکرد توانمندسازی مددکاری اجتماعی در مقایسه با گروه کنترل تغییر قابل ملاحظه ای نموده است و افزایش و بهبود نشان می دهد و همانطور که اشاره شد در این زمینه پژوهشهایی همسو با پژوهش حاضر می باشد. آموزش مهارتهایی چون حل مساله، تصمیم گیری درست، این امکان را برای فرد فراهم می آورد که توانایی های لازم برای دستیابی به پیامدهای مطلوب افزایش یابد. از طرفی توانمندسازی هم سبب می گردد که افراد کنترل بیشتری در تصمیم گیری ها داشته باشند

،روش های جدید فکر کردن در مورد موقعیت هایشان را یاد بگیرند و رفتارهایی را انتخاب کنند که برای آن ها رضایت و پاداش بیشتری را به ارمغان می آورد فرایند توانمندسازی بر این باور است که انسانها خود می بایست انتخاب کرده و تصمیم بگیرند(اقلیما و عادلین راسی، ۱۳۸۸). همه ی این موارد باعث شکل گیری مهارت‌های مفید در افراد و مخصوصا نوجوانان شده و به دنبال آن سازگاری مناسبی در فرد ایجاد شود.

منابع

- ۱) امامی میبدی، الهام؛ احدی، بتول و فرح بیجاری، اعظم (۱۴۰۰). پیش بینی عزت نفس نوجوانان بر اساس رابطه والد-فرزند نیازهای بنیادین روانشناختی و خودپنداره، پژوهش‌های کاربردی در مشاوره، ۴(۱۵).
- ۲) احدی، بتول؛ میرزایی، پری؛ نریمانی، محمد و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۸۸). تاثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۹(۳).
- ۳) اقلیما، مصطفی و عادلان راسی، حمیده (۱۳۸۸). تکنیک‌های کار با جامعه: مددکاری جامعه‌ای، تهران: انتشارات فراانگیزش.
- ۴) پین، مالکوم (۱۳۹۲). نظریه نوین مددکاری اجتماعی، ترجمه: طلعت الهیاری، اکبر بخشی نیا. تهران، نشر دانژه.
- ۵) چاوشی‌فر، جلال (۱۳۷۹). بررسی مقایسه‌ای عوامل تنیدگی‌زا و شیوه‌های رویارویی در نوجوانان مراکز شبانه روزی و نوجوانان دارای والدین، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۶) حاتمی فرد، سیروس؛ کافی، موسی و خوش روش، وحید (۱۳۹۰). اثر بخشی آموزش حل مسأله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان، فرهنگ مشاوره و روانشناسی، ۲(۷).
- ۷) داددوست، لیلا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر الگوی توانمندسازی بر کیفیت زندگی کودکان مبتلا به صرع در سن مدرسه مراجعه‌کننده به انجمن صرع ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۸) زهرا کار، کیانوش؛ رضازاده، آزاده و احقر، قدسی (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای شهرستان رشت، اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۵(۳).
- ۹) شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا (۱۳۸۹). نظریه‌های مشاوره و روان درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ۱۰) صدیقی، مریم (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر کاهش افسردگی و کارا شدن مهارت‌های مقابله‌ای دختران نوجوان فراری ساکن در مراکز شبانه روزی بهزیستی شهر تهران، پایان نامه دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۱) فردی، مینا؛ آقامحمدیان شهرباف، حمید و کارشکی، حسین (۱۳۹۲). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی بر کاهش اضطراب اجتماعی نوجوانان دانش آموز مدرسه شبانه روزی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، ششمین کنگره روانپزشکی کودکان نوجوان.
- ۱۲) گلکین، مورلی (۱۳۹۲). مددکاری اجتماعی قرن ۲۱ (رفاه اجتماعی، مسائل اجتماعی، و حرفه مددکاری اجتماعی)، ترجمه: عباسعلی یزدانی والهام محمدی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ۱۳) گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه: سفر، ا. و همکاران، تهران: نشر سمت، چاپ دوم.
- ۱۴) معتمدی، هادی؛ حاج بابایی، حسین؛ بیگلریان، اکبر و فلاح سلوکلائی، منیژه (۱۳۹۲). تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر، پژوهش اجتماعی، ۴ (۱۴).
- 15) Addelyan Rasi H, Moula A (2012). Puddephatt aj.et al.empowering ewly married women in iran: a new method of social work intervention that uses a client. Directed problem solving model in both group and individual session.qualitative social work published online first: 18 september.
- 16) Giagazoglou, P. Kouliousi, Ch. Sidiropoulou, M. & Fahantidou, A. (2012). The effect of institutionalization on psychomotor development of preschool aged children, Research in Developmental Disabilites 33, 964-970.
- 17) Haight Wendy. Black James .Sheridan, Kathryn (2010).A mental health intervention for rural, foster children from methamphetamine involved families: Experimental assessment withqualitative elaboration. Children and Youth Services Review 32, 1446-1457.
- 18) Karen Glago &Margo A. Mastropieri, Thomas E. Scruggs (2009). Improving Problem Solving of Elementary Students With Mild Disabilities Remedial and Special Education, 372-380.
- 19) Largo-Wight, Erin; Peterson, P Michael; Chen, W William. (2005). Perceived Problem Solving, Stress, and Health Among College Students American Journal of Health Behavior; 29, 4; ProQuest pg. 360.
- 20) Samson A, Saim H. (2008) .Adapting to major chronic illness: A proposal for a comprehensive task- model approach. Patient Education and counseling; 70:426-9.